



#### خاندانی برای تمام فصول

حاج ابراهیم خان کلانتر، نیای خاندان قوام شیرازی، وزیر زندیه و قاجاریه  
 کار یک نقاش بهائی زرتشتی الاصل به نام استاد بهرام کرمان شاهی،  
 سال ۱۲۸ بدیع



خاندانی برای تمام فصول  
میرزا فتحعلی خان صاحب‌دیوان در جوانی  
حاکم مقتدر عصر ناصری



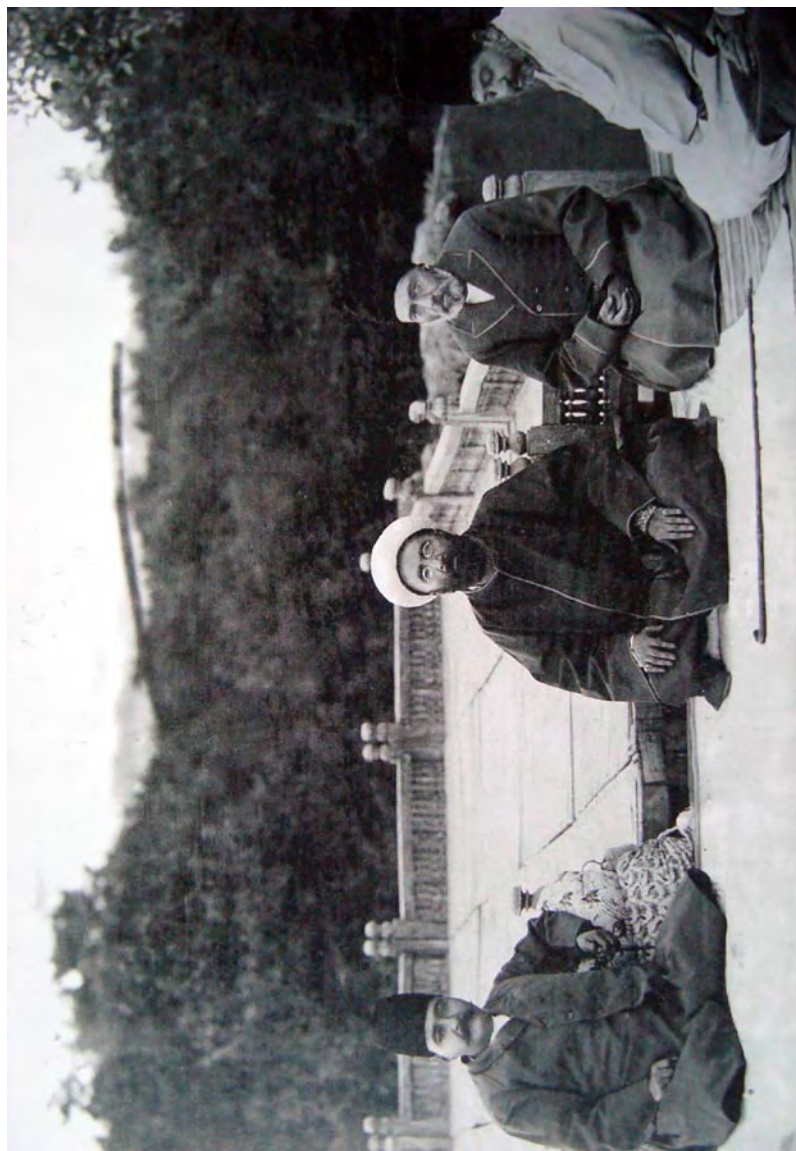
میرزا فتحعلی خان صاحب‌دیوان در پیری



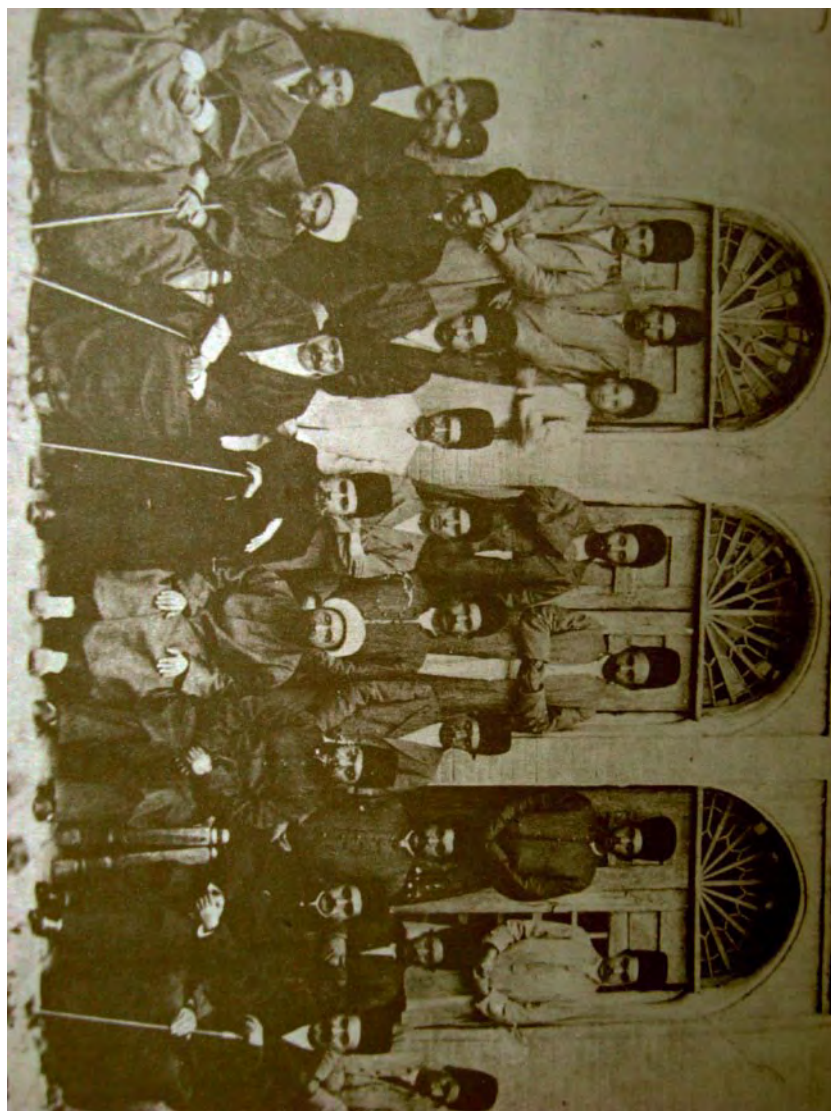
خاندانی برای تمام فصول  
محمد رضا خان قوام الملک در جوانی  
ضد مشروطه خواهان



شیخ یحیی، امام جمعه درباری شیراز، که به دلیل طمع‌کاری او شورش فارس آغاز شد



از راست: محمدرضا خان قوام الملک، مستشارالملک (؟ وزیر و پیشکار فارس)، شیخ یحیی (امام جمعه)،  
ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله (حاکم فارس، پسر ارشد سلطان مراد میرزا حسام السلطنه)  
باغ معینیه در حومه شیراز، ۱۳۱۸ ق.



میهمانی در باغ رحمت آباد (حوالی ۱۳۲۲ ق.).

نشسته از راست به چپ: نفر اول حسین خان معتمد دیوان کواری، نفر دوم مساعدا السلطنه (پسر سردار اکرم)،  
 نفر سوم مؤید السلطنه (رئیس تلگرافخانه)، نفر چهارم شیخ یحیی امام جمعه، نفر پنجم سردار اکرم،  
 نفر ششم محمدرضا خان قوام الملک، نفر هفتم میرزا عبدالوهاب یزدانی (پسر وصال شیرازی)،  
 نفر هشتم حبیب الله خان بیگلریگی (قوام الملک بعدی)



نعمت‌الله بروجردی قاتل محمدرضا خان قوام‌الملک





حسین خان کواری (معمتمدیوان) و محمدقلی خان عرب



**خاندانی برای تمام فصول**

از راست: عبدالحسین میرزا فرمانفرما، ابراهیم خان قوام الملک، ژنرال سرپرستی سایکس  
(فرمانده نیروهای انگلیس در جنوب ایران)، ۱۹۱۷ میلادی



از راست به چپ: آصف‌الملک (برادر معتمد دیوان، بعداً با نام خانوادگی نام آور) شهردار شیراز،  
 شیخ محمدحسین حیات، میرزا محمدباقر خان دهقان، محمدتقی خان مؤیدالملک،  
 پرنس ارفع، حاج نصیرالملک (ابوالقاسم خان)  
 باباکوهی، ۱۲۹۹ ش. / ۱۹۲۰ م.  
 میرزا محمدباقر خان دهقان (پیشکار قوامی‌ها) به گونه‌ای نشسته که گویا او ارباب است  
 و نصیرالملک و مؤیدالملک پیشکار!



از راست: ابراهیم خان قوام‌الملک، پرنس ارفع (میرزا رضا خان ارفع‌الدوله)،  
دکتر محمد مصدق‌السلطنه (والی فارس)  
میرزا ابوالقاسم خان نصیرالملک، محمدتقی خان مؤیدالملک  
در حال استرداد اموال مسروقه ارفع به او (۱۲۹۹ ش.).



از چپ: محمدتقی خان مؤیدالملک، اسماعیل خان صولت‌الدوله قشقایی، ابراهیم خان قوام‌الملک،  
 میرزا محمدباقر خان دهقان (پیشکار سه قوام‌الملک، بین مصدق و قوام)  
 دکتر محمد مصدق‌السلطنه (والی فارس)، ابوالقاسم خان نصیرالملک (۱۲۹۹ ش).



#### خاندانی برای تمام فصول

ابراهیم خان قوام الملک و پسرش علی قوام، داماد بعدی رضا شاه (کودک سمت راست عکس)،  
به همراه رضا خان سردار سپه (رضا شاه بعدی)  
در سفر آبان ۱۳۰۳ ش. به شیراز در مسیر خوزستان. باغچه بانک، دروازه قرآن



خاندانی برای تمام فصول  
ابراهیم قوام در سنین پیری



فرزندان ابراهیم قوام  
علی قوام (شوهر اشرف پهلوی)، رضا قوام (پدر محمود قوام)  
ایران قوام، ملک تاج قوام (زن امیر اسدالله علم)





خاندانی برای تمام فصول  
محمود قوام (ششمین قوام‌الملک؟)، ۱۳۸۴، شیراز

۱ رجب ۲۷

حسب جدتها بلهبرگرم تخم بر الله را، انفع لا حول ولا قوة الا بالله

بعض میرساند اعدون در حقیقت این از قسمه بعلم اهرم از فرقه علمیه  
 بارت صورت از دیوین فراتر از بن اعدون اما بعضون بر فرقیات است  
 در سرفه بخت بخت با برهنه لایح حج الاسلام و آیات  
 الامام دست بر لایح قلنا انا اطلق علم قدر از جدول جواب از انچه  
 می‌آید با لیز بخت و باب حرکت خطی با در حقیقت که در حقیقت  
 شود و در فرقه در متن آن من طره انحراف حرکت را اخضر که اگر بگویند  
 با لیز خانه مجد را که تون پیام کرده بسوزد روانه در از نوجوب از  
 حضرت در کار آن در رسیده حدت و عده بلیوز خانه تحقیق در بسیار  
 و ترب بخت حفظ تیرا با تب بر از ما در کردند در این بخت  
 فرخ دست به کرم در بسیار آن آنها بر کرده در حرف بسیار آن  
 بحیث فقر بخت از آنها را در بر از یک با حجت بخت بخت در  
 بقدر با تب اخضر که از آنکه پیام کرده تون بخت در در صوبه  
 موجب خست سرد افقه و تون افواج قرآن در سینه هر هر آنها  
 با بر تر بخت با بخت عید ایران جواب مفعول نوشته در صورت  
 ملاحظه خواهد فرمود در در خبر در در هر نوشته در هر هر از هر بسیار  
 بجهت حرکت کرده که از راه در هر بر بر از در از متن خانه سواد  
 جواب هر بحر زاده لذنا ما انکار کرده لذا انکار هر زاده است  
 معلوم است در حالت بر از در در صوبه به خواهد ستر الان مکتوب  
 از بخت بخت رسیده در فرخ علم خطی فایان حج الاسلام انقدر

نقد کرده اند و در حقیقت این خصم در تالیفات سیر از سر بیخ نفی نماید و در نهایت  
 حضرت سیر از این وسیله ها بفریبند و ایراد است و حرکت کرده اند و ایراد نفر  
 سپاس نگیرد از بیجهت حرکت کرده اند و ایراد فرموده بودند و از این برای این پارس جنبه  
 اسد سر باز نورد آیه خود خصم تا نظر جهالت و بیخیت و ایران در ایراد و تفت  
 این ملکات در تالیفات است که محققان در نظر سیرت تصحیح و در محققان در حقوق  
 اسدیت لاری کینه هر یکسها همانند برادر دخول تونیکر پیدا میکنند و آن معده  
 در در سوره مذکور شده و در سیر خصم میگردانند و باقی است بر تراجیب  
 خواهند شد زیرا که تمام ایران را در این مورد هر آن جهت سیر از آنها است و  
 امروزه با حالت عالی در این باب از کف در کف و تفتز همانند همه باید همانند  
 آنها در اسدیت اسد سر برده تونیکر سیر و انتفاع اینجانب بوده این اسد در سیر  
 بطریقی و خواهد شد و اسد سیر در کف در کف است و اسد سیر در کف در کف است